

بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلاو در شعر سیداشرف گیلانی (نسیم شمال)

محمود رنجبر^{1*}، علی صفایی²

(تاریخ دریافت: 92 / 2 / 18، تاریخ پذیرش: 93 / 4 / 25)

«من زبان دیگری خوانم که فهمانی بود» (سیداشرف)

چکیده

آثار ادبی نهضت مشروطه در دهه‌های اخیر به‌عنوان بخشی از مهم‌ترین اسناد جامعه‌شناسان برای تحلیل مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران معاصر مورد توجه قرار گرفته است. سیداشرف‌الدین گیلانی ملقب به نسیم شمال، نقش بارزی در روشن‌گری عصر مشروطه داشته است. کمتر تحولی در عصر مشروطه صورت گرفته است که سیداشرف درباره آن شعر نسروده باشد.

در این پژوهش با روش بینارشته‌ای کوشیده‌ایم تا در دو بخش، به بازخوانی نظریه جامعه‌شناسی تبدیلی تلفیقی پیتر بلاو در فضای کلی شعر عصر مشروطه و سپس در شعر سیداشرف بپردازیم. در بخش نخست با نگاهی اجمالی، محورهای کلان نظریه بلاو را در شعر عصر مشروطیت نشان داده‌ایم. در بخش دوم، گام‌های چهارگانه نظریه تبدیلی را در سه بخش

*drranjbar@yahoo.com

1. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

2. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

به صورت موردی در شعر سیداشرف واکاوی کرده‌ایم. برای کاربرت این نظریه که تلفیقی از رفتارگرایی اجتماعی و واقعیت‌گرایی اجتماعی است، اشعار سیداشرف از آغاز جنبش مشروطه تا شکست آن و ایجاد حکومت پهلوی اول، در سه گروه اشعار تبادلی انتقادی، اشعار تمجیدی سازمان‌بخش و اشعار خطابی تنذیری قرار گرفته است.

هدف نهایی این پژوهش بررسی میزان اثرگذاری سیداشرف در جنبش مشروطه برپایه نظریه‌ای اجتماعی، برای نشان دادن ساختارهای پیچیده هم‌گروهی میان انقلابیون و مردم در دوره مشروطه است.

واژه‌های کلیدی: سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، پتر بلاو، شعر مشروطه، نظریه تلفیقی تبادلی، جامعه‌شناسی.

1. مقدمه

شاعران دوره مشروطه با آگاهی از قدرت کلام و ادبیات، ضمن حفظ ساختار کلاسیک شعر، مضامین انتزاعی و مجرد هزارساله شعر فارسی را به کناری نهادند تا از آن به‌عنوان عنصری برای بیداری توده‌های مردم بهره‌گیرند. جامعه هدف بیداری در انقلاب مشروطه - مانند هر انقلاب دیگری - قشرهای آسیب‌پذیر بوده است. بنابراین، برای آگاه‌سازی آنان، رفتارهای ویژه‌ای از سوی روشن‌فکران و براساس واقعیت‌های دوره استبدادی عصر قاجار صورت گرفته است. بخش زیادی از این رفتارها مبتنی بر صورت‌های بنیادی زندگی اجتماعی همان دوره، در شعر شاعران متجلی شده است. به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، شعر مشروطه یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های دوران‌سازی است که از آن می‌توان به‌عنوان پایه بررسی سطوح رفتار اجتماعی در مبارزه با استبداد یاد کرد؛ زیرا «شعرای دوره مشروطیت از نظر منشأ اجتماعی طیف نسبتاً متنوعی را از عنصر اشرافی، اداری - دیوانی، روشن‌فکران، روحانی و غیرروحانی و عامه مردم تشکیل می‌دهند» (خارابی، 1380: 12). این تنوع قشری روشن‌فکران و شاعران، انقلاب مشروطه را از لحاظ دارا بودن شاعران عصر خود، در ردیف نخستین انقلاب‌های جهان قرار داده است (ر.ک: همان‌جا).

در این پژوهش با شیوه توصیفی و براساس نظریه جامعه‌شناسی تلفیقی پیتر بلاو¹ (1918-2002م)، سطوح مختلف تحول تا انحطاط مشروطه را در شعر یکی از شاعران این نهضت اجتماعی در سه گروه: اشعار تبادلی انتقادی، اشعار تمجیدی سازمان‌بخش و اشعار خطابی تندیری بررسی کرده‌ایم.

مهم‌ترین دلیل واکاوی این نظریه در اشعار برخی شاعران عصر مشروطه، نشان دادن فضای کلی بازتاب سطوح رفتار اجتماعی مردم در شعر این دوره است. در بخش دوم پژوهش، روشن می‌کنیم که فرایند ارتباط متقابل اجتماعی سیداشرف، شاعری انقلابی و پیشتاز، با توده‌های جامعه ایرانی و قشرهای مختلف مردم با همدیگر در یک ساختار اجتماعی در حال تحول چگونه است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ایرادهایی که می‌توان بر چنین پژوهش‌هایی وارد کرد، نگاه تقلیل‌گرایانه به نظریه‌ای اجتماعی است. برای رفع این ابهام، تقسیم‌بندی دیگری شبیه به فراگرد چهارمرحله‌ای بلاو طراحی شده است تا بر این نکته تأکید کنیم که نظریه‌ها در فضای فرهنگی متفاوت به وجود می‌آیند و تصور کاربست تمام و کمال آن‌ها بدون جهت‌بخشی در مناسبات اجتماعی فرهنگی دیگر، چه بسا ناسازگار یا متناقض‌نما باشد.

1-1. چارچوب نظری بحث

طرح مسائل روز جامعه عصر مشروطیت، آثار پدیدآمده این دوره را اسنادی مهم در تحلیل مناسبات جامعه‌شناختی معرفی می‌کند. خرابی با تفکیک دو وجه سیاسی و اجتماعی اشعار دوره مشروطه، معتقد است: «تفکیک میان دو عنصر سیاسی و اجتماعی و به عبارت دیگر، حکومت و جامعه، رهاورد انقلاب صنعتی و آثار و پیامدهای آن یعنی رشد بی‌سابقه شهرنشینی و اجتماعی شدن کار می‌باشد» (1380: 16). از نظر وی، اشعار سیاسی عصر مشروطه، یعنی از دوره تدارک نهضت تا زمان موفقیت نسبی آن (یا به تعبیری شکست) بیشتر حول این موضوعات شکل گرفته است: نابسامانی امور، عقب‌ماندگی، آرزوی روزگار گذشته، وطن، ملت، بیداری، مشروطه، سیر حوادث مشروطه، سرخوردگی از مشروطه، مداخله دولت‌های

استعماری، عمال بیگانه، ارتش، حق و حقوق و قانون، رفتار سیاسی، انجمن، احزاب، مجلس، نامنی و... (همان‌جا).

عناصر اجتماعی مشروطه نیز دربرگیرنده این موضوعات است: مسئله ارضی و وضعیت روستاییان، کار، امکانات و تسهیلات زندگی، فقر و غنا، کار و کارگر، کارمندان و دستگاه اداری، اشرافیت، وضع زنان، علم و دانش (بی‌سوادی)، خواست‌ها و آرزوها، تغییرات، عقب‌ماندگی، نکوهش مردم، اعتیاد، احتکار و... (همان‌جا).

بسط نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی یا کارست مبانی نظری آن‌ها در آثار گروهی از شاعران یا یک شاعر مشخص، همراه بررسی تحولات مضمونی و اجتماعی سروده‌های وی از پژوهش‌هایی است که می‌تواند وجوه مختلف کاربردی یک نظریه را نشان دهد. در ایران، پژوهش‌های مختلفی با موضوع تحلیل جامعه‌شناختی صورت گرفته؛ اما تاکنون پژوهشی با موضوع کاربرد نظریه پتر بلاو در شعر انجام نشده است.

از ویژگی‌های مهم نظریه بلاو برای کاربست آن در شعر نسیم شمال می‌توان به انعکاس چرخه معاملات تبدلی شخصی میان مردم، یعنی کنش متقابل و رودرو تا هنجارها و ارزش‌های جامعه پیشامشروطه و مشروطه اشاره کرد.

2. پیشینه و معرفی نظریه

نظریه تبادل تلفیقی بلاو شکل رشدیافته نظریه‌پردازان مکتب مبادله رفتاری یا مکتب رفتارگرایی² است. جورج هومنز³ پتر بلاو و بی.اف. اسکینر⁴ از جامعه‌شناسان برجسته قرن بیستم، با تلفیق رویکردهای روان‌شناسی به‌ویژه رفتارگرایی، شیوه جدیدی را در مطالعه عوامل تعیین‌کننده ساختار پیچیده اجتماعی طراحی کردند. آن‌ها با نقد آرای برخی جامعه‌شناسان، معتقد بودند نظریه‌های پیش از تبادل و جامعه‌شناسی رفتاری «موجودیت‌های رمزآمیزی را ساخته و پرداخته می‌کنند و جامعه‌شناسان را از پرداختن به تنها پدیده‌های قابل بررسی و عینی رفتار و عواملی که وقوع رفتار را کم‌ویش محتمل می‌سازند، دور ساخته‌اند» (ریترز، 1386: 405). از نظر جامعه‌شناسان مکتب تبادل و رفتارگرایی، اصول بنیادین رفتار انسانی در سطح فرد و گروه‌های کوچک قابل بررسی است؛ حال آنکه بیشتر توجه بلاو و همکارانش معطوف به

بررسی این رفتارها در گروه‌های بزرگ‌تر اجتماعی و «تأثیر این رفتار در شکل‌گیری تمایز و گروه‌بندی اجتماعی» آن‌ها با جهت‌گیری ساختاری در حوزه فرهنگ است. آن‌ها بر این باور بودند که «فرهنگ یک اجتماع، از رفتارها ساخته می‌شود. برای فهم فرهنگ نیازی به مفاهیمی چون افکار و ارزش‌ها نداریم؛ بلکه به درک پدیده‌هایی چون پاداش‌ها و خسارت‌ها نیازمندیم» (همان‌جا).

تبادل دوسویه عمل و پاداش یا خسارت، مفهوم کلیدی مکتب تبادل و رفتارگرایی است. براساس این، انسان برحسب آموزه‌های جبری، از آغاز تولد خویش می‌آموزد که باید در برابر محرک یا کنش‌های گوناگون واکنش‌های معینی نشان دهد. اگر واکنش وی با پاداشی خوشایند پاسخ داده شود، احتمال تکرار آن رفتار بسیار زیاد است؛ اما اگر آن واکنش برای او مجازاتی در پی داشته باشد، احتمال تکرار آن رفتار از سوی فرد کم است. رفتار انسان در این شرایط به واکنش‌هایی وابسته است که محیط به اعمال او نشان می‌دهد. جامعه‌شناسان مکتب رفتارگرایی بر مبنای این دیدگاه معتقدند بسته به نوع واکنشی که محیط به رفتار انسان بروز می‌دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که چه نوع رفتاری در آینده از انسان سر خواهد زد. منتقدان نظام جبری حاکم بر صورت نخستین نظریه رفتارگرایی را موجب سلب آزادی انسان می‌دانستند. خودمختاری برآمده از آزادی انسان‌ها در سایه پاداش یا خسارتی است که خود نیز تولیدشده رفتاری اجتماعی برای ترغیب جامعه خواهد بود. به عبارتی، جامعه‌شناسان مکتب رفتارگرایی با حذف مؤلفه‌های تاریخ، اقتصاد، مقررات، زبان، هنر و ادبیات که معرف و شناسنامه فرهنگی جامعه به‌شمار می‌روند، اصالت هویت اجتماعی را نادیده می‌گیرند (علیخانی، 1383: 153). در حالی که کنشگر تابعی از رفتارهایی است که محیط برای او فراهم می‌کند و این رفتارها زنجیروار تابعی از دیگری است.

در وهله نخست می‌توان تصور کرد که این نوع رفتار تصادفی است. محیطی که یک رفتار در آن رخ می‌دهد، چه اجتماعی باشد چه فیزیکی، تحت تأثیر آن رفتار قرار می‌گیرد و این محیط متأثر از این رفتار به نوبه خود، به شیوه‌های گوناگون بر رفتار بعدی تأثیر می‌گذارد (ریتزر، 1386: 408).

جامعه‌شناسان تبادل رفتاری وجه انتزاعی و غالب در مکتب رفتارگرایی را دگرگون کردند و تعامل دوسویه محیط و انسان را حاصل کارکردی عینی برشمردند. اما باید پذیرفت که

به گفته بیلز⁵، «من» (ego) حتی زمانی که انسان تنهاست، باز نوعی بازیگر اجتماعی است؛ زیرا موجودی اجتماعی شده که درباره خود می‌اندیشد، از خلال نقش‌ها و ارزش‌ها نشانه‌های اجتماعی‌اش را ظاهر می‌کند، به مقتضای این نقش‌ها، ارزش‌ها و نشانه‌ها در جست‌وجوی خویش است، راه خود را می‌جوید و می‌یابد، و عمل خود را تصویب یا محکوم می‌کند (ترابی، 1341: 194).

2- 1. نظریه تبادلی بلاو

آرای نخستین جامعه‌شناسان نظریه رفتاری انتقادهای زیادی را برانگیخت. به نظر منتقدان، تحلیل جورج هومنز از رفتار انسان بیشتر جنبه روان‌شناسی فردی دارد تا جامعه‌شناختی. مدتی بعد، پیتز بلاو در سال 1964م با انتشار کتاب *مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی*⁶ بر آن شد تا با بهره‌گیری از رفتارگرایی و واقع‌گرایی اجتماعی، کاستی‌های نظریه تبادلی را برطرف کند. بلاو نیز مانند هومنز معتقد بود که مبادله تنها راه ارتباط فردی با فرد دیگر و در سطحی وسیع‌تر، افراد جامعه با یکدیگر است. اما او سطح ارتباط را یکسان نمی‌داند؛ بلکه بر این باور بود که ارتباط دوسویه این معنا را نشان می‌دهد که برخی‌ها در مقام فرودست و برخی دیگر در مقام فرادست قرار می‌گیرند. کار مهم وی این بود که:

می‌خواست محدودیت‌ها و کاستی‌های نظریه تبادل هومنز را که چندان قابل بسط به ساختارهای اجتماعی پهن‌دامنه نیستند، با تلفیق رفتارگرایی اجتماعی و واقع‌گرایی اجتماعی از میان بردارد تا از طریق آن بتواند به فهم بیشتر و گسترده‌تر رفتار اجتماعی دست یابد (ریتزر، 1386: 455).

وی معتقد بود مقصود اصلی جامعه‌شناسی در بررسی فراگردهای کنش متقابل، ساختن بنیادی برای فهم ساختارهای اجتماعی تکامل‌یابنده و نیز درک نیروهای اجتماعی پدیدار شونده‌ای است که تکامل این ساختارها را مشخص می‌کنند (همان، 435). به عبارتی، بلاو کوشید تا ساختار اجتماعی را بر پایه تحلیل فرایندی اجتماعی - نه فرایندی بر پایه رفتار روان‌شناسی فردی - فهم کند. «تمایل اصلی بلاو در تبیین همه امور اجتماعی از دریچه مبادله است و همه رفتارها مانند مبادله تبیین می‌شود» (آزاد ارمکی، 1381: 258). او مبادله را در چرخه‌ای به نام «فراگرد تبادل» نشان می‌دهد. براساس این فراگرد، بیشتر رفتارهای بشری جهت

می‌یابد و بر روابط میان انسان‌ها و نیز روابط گروه‌ها تسلط دارد. بلاو از چهار گام در این فراگرد نام می‌برد که از تبادل بین‌فردی و فرایند تبادل بین فرد و گروه آغاز می‌شود و به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی می‌انجامد. این چهار مرحله عبارت‌اند از:

گام اول: معاملات و تبادل شخصی میان مردم که می‌انجامد به...

گام دوم: تمایز در منزلت و قدرت که منجر می‌شود به...

گام سوم: مشروعیت و سازمان‌یافتگی که می‌باشد تخم...

گام چهارم: مخالفت و بروز تحول و دگرگونی.

براساس نظریه تبادل تلفیقی بلاو، گام نخست شامل حضور آحاد اجتماع در گروه یا گروه‌هایی است که به پاداش منجر می‌شود. این پاداش منفعت متقابلی است که پیوند اجتماعی را نیز محکم می‌کند. در سایه این منافع است که کنش‌های همگانی و متقابل نیز شکل می‌گیرد. اما اگر اعضای اجتماع یا گروه احساس کنند در جریان فراگردهای مشروعیت و سازمان‌یافتگی و معاملات تبادلی شخصی که برپایه کنش متقابل شکل می‌گیرند، هیچ‌گونه پاداش یا منافع متقابلی ردوبدل نمی‌شود، رشته پیوند آن‌ها سست و سرانجام ازهم گسیخته خواهد شد (ر.ک: ریتزر، 1386: 456).

3. بازخوانی نظریه تبادل در اشعار عصر مشروطه

تحولات جهانی، انقلاب صنعتی در اروپا و بی‌کفایتی شاهان قاجار شرایطی را پدید آورد تا آزادی‌خواهان صدر مشروطه به شکل‌های مختلف برای بسط مفاهیم دموکراسی اقدام کنند. آنان برای نجات ایران از فلاکت، قحطی و شکست‌های پی‌درپی سیاسی و نظامی در قفقاز و هرات، بالا بردن دانش مردم را چاره کار می‌دانستند. در این راه مشارکت همه مردم و افزایش سطح مطالبات آن‌ها موجب فعال شدن دستگاه دیپلماسی کشور می‌شد. راه چاره نیز کوشش تک‌تک شاعران، روشن‌فکران، روحانیان و همه افراد در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بود. حرکت شاعران به تبع حرکت عمومی روشن‌فکران ایرانی صورت گرفت. آن‌ها از نیمه سال‌های پایانی حکومت قاجار با مطالعه و مشاهده پیشرفت‌های صنعتی و اجتماعی اروپا، زمینه را برای تحول عظیم در کشور با جنبش مشروطه‌خواهی فراهم کردند.

با شکست ایران از روسیه تزاری در نیمه اول قرن نوزدهم، جریان تند انتقاد از هیئت حاکمه شکل تازه‌ای به خود گرفت. پادشاهان قاجار خود را سایه خدا (ظل الله) می‌دانستند و مردم را رعیتی برمی‌شمردند که با تیغ شمشیر مملوک آن‌ها شده‌اند. فاصله بین مردم و حاکمان آن‌چنان بود که برخی اعضای حکومت خواربار و نیازهای عمومی مردم را خریداری و احتکار می‌کردند و با ایجاد قحطی مصنوعی، آن‌ها را به‌بهای سنگین می‌فروختند (بوشهری، 1365: 133).

شاعران و نویسندگان با نشان دادن وضع رقت‌بار مردم در عصر قاجار، به‌دنبال آگاهی‌بخشی به آنان بوده‌اند:

نگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد عیب باشد که تو در خواب و جهانی بیدار
(لاهوئی، 1357: 13)

آنچه را که مجموعه اشعار این دوره به‌عنوان شاخه‌ای از «ادبیات سیاسی» و آخر عصر قاجار و آغاز مشروطه، پادشاه رفتار مردم معرفی می‌کند، پدید آوردن قانون اساسی و شاید یک مشروطه پادشاهی بود (ذاکر حسین، 1377: 260). از مجموع سروده‌های دوره دو پادشاه قاجار، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه، روشن می‌شود که شاعران و روشن‌فکران با کاربرد تعاملات فردی به‌منظور آگاه‌سازی قصد داشتند تا با تمایز در منزلت و قدرت و با رهبری ساختار اجتماعی، مشروطه را عملی کنند.

از آنجا که حتی در آغاز مشروطه نیز تبیین مواضع مشروطیت و جریان تند تغییرات اجتماعی و سیاسی تفاوت‌هایی در نگرش به محتوای مشروطه پدید آورده بود، عده‌ای از علما و شاعران دین‌دار هم‌زمان سه مسئله اسلام، مبارزه با حکومت استبدادی موجود و تحقق مشروطیت را مورد توجه قرار دادند؛ درحالی که رویکرد بسیاری از روشن‌فکران و شاعران به جنبه‌های غربی آن اشاره داشت. بنابراین، «مشروطیت اگرچه اشتراکی لفظی میان منورالفکران شاعران و علما به‌حساب می‌آمد، اما آن زمینه اشتراک معنایی کامل میان این گروه از مشروطه‌خواهان وجود نداشت» (رضایی شریف‌آبادی، 1389: 8).

بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلاو در شعر سیداشرف ... _____ محمود رنجبر و همکار

این تفکر منشأ اختلاف نظریه‌هایی بود که نمودهای آن موجب بروز تنش‌ها و سرانجام انحراف مشروطه شد. تبیین نشدن جایگاه اجتماعی مشروطه از سوی بانیان آن، زمینه‌ای شد تا در جریان تقسیم قدرت دین و سلطنت، نقش دین کم‌رنگ نشان داده شود. پس از به‌ثمر نشستن تلاش مشروطه‌خواهان و استقرار نظام مشروطه، این اختلاف بیشتر نمایان شد. برخی پژوهشگران عدم توازن قدرت در کارکرد دین و سلطنت را زمینه‌ساز اختلاف و درنهایت، شکست مشروطیت می‌دانند؛ زیرا:

مشروطیت با گرایش غربی آن بنا داشت تا ساختار کلاسیک این دو قدرت سیاسی و اجتماعی را به هم بزند و با محدود ساختن قدرت سلطنت و قدرت دین و روحانیون به قدرت تازه‌ای دست یابد. اما مشکل بزرگ نهضت مشروطه ازلحاظ اجتماعی این بود که می‌خواست براساس همان ساختار دوگانه قدرت و اختلاف بین ملت به‌معنای دین و دولت به‌معنای سلطنت به چنین قدرتی یعنی حکومت قانونی و عرفی دست یابد (اجودانی، 1387: 172).

کسانی مانند شیخ فضل‌الله نوری، از روحانیان بانفوذ، مشروطه را مشروع می‌خواستند و به‌شدت با جریان غربی آن مخالفت می‌کردند. سخنرانی مشهور شیخ فضل‌الله در میدان توپخانه تهران و انتساب مشروطه‌خواهان به فرقه بابی و بهایی بازتاب خوبی بین برخی شورمندان انقلابی نداشت؛ تا جایی که در جریان همین تمایزات قدرت، سیداشرف نیز به این روحانی بانفوذ حمله می‌برد و او را به دشمنی با خلق و هدر دادن زحمات مجاهدان محکوم می‌کند:

دشمنی با همه ملت دارم

به حراج از همه دعوت دارم

با همه خلق عداوت دارم

از خود شاه وکالت دارم

یا در ادامه می‌گوید:

ور به پا گشت به گیلان محشر

هرچه شد، شد به جهنم به سقر

گر ز اسلام بشد قطع اثر

ور به تبریز ارس کرده مقر

(حسینی گیلانی، 1371: 86)

مسئله مهم این است که از آغاز تعاملات فردی برای روشن‌گری، شکل ناقصی از فراگرد تبادل در دو سوی کارزار روشن‌فکران و حاکمان شکل می‌گیرد. به عبارتی، براساس اصل ششم⁷ نظریه تبادل تلفیقی بلاو، «هرچه هنجارهای مشروع در یک مبادله، کمتر تحقق یافته باشند، طرفین محروم، برای فتوادهی منفی علیه آن‌هایی که هنجارها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند» (چ ترنر، 1372: 355).

شاعران صدر مشروطه با انتقاد از شیوه عمل حاکمان و بیان مسائل اجتماعی مردم، به دنبال منفعت رساندن به آنان برای تحقق پاداشی اجتماعی به نام مشروطه بودند؛ اما از آنجا که «هنجارهای مشروع» در «لفظ مشترک مشروطه» در مبادله شاعر با شاعران دیگر و علما با روشن‌فکران دیگر کمتر تحقق یافته بود، پاداش (ایجاد مشروطه) با تردید مواجه می‌شد. بنابراین، وقتی برای افراد (آزادی‌خواهان) پاداش‌های ناکافی وجود داشته باشد، رشته هم‌گروهی سست می‌شود. از سوی دیگر، نظام (حکومت قاجار) به جای اینکه انتقاد را متوجه خود بداند، خویش نیز یکپارچه منتقد می‌شود و تیر انتقاد خود را نیز به سوی ملت نشانه می‌رود:

ناصرالدین‌شاه خطاب به حاج‌سیاح می‌نویسد: من سه سفر به اروپا کرده‌ام در هر جا چیز تازه‌ای بود با تشریفات مرا برده، نمایش دادند، شهرهای زیبا و مریض‌خانه‌های بزرگ دیدم [...] برخلاف جاده‌های تنگ و وحشتناک مملکت ما که هنوز زنگ دلچان به گوش می‌رسد، دیدم ترن از شکاف کوه‌ها عبور می‌کند [...] به سینماها و تماشاخانه‌های مجلل رفتیم. همه‌جا مملکت خودم را در نظر می‌آوردم که به جز خرابی و ویرانی و مردمانی پریشان و غوطه‌ور در کثافت چیزی ندارد (راوندی، 1374: 248).

گام نخست در نظریه تبادل بلاو، معاملات و تبادل شخصی میان مردم است. در این گام، هدف، آگاهی‌بخشی اجتماعی از طریق تبادل بینافردی است. شاعران دوره مشروطه با تأکید بر جنبه‌های روان‌شناختی جریان امور اجتماعی - مطابق آنچه در نظریه بلاو آمده - مردم را به تبادل بینافردی تشویق می‌کنند:

منم که در وطن خویشتن غریبم و زین
غریب تر که هم از من غریب‌تر وطنم
نه هر کجا که قدم می‌نهم به کشور خویش
دچار دزد اداری اسیر راهزنم

در این دیار چه خاکی به سر توانم کرد
به هر کجا که روم اوفتاده در لجنم
(عارف، 1358: 296)

با تحلیل اشعار انقلابی شاعران مشروطه روشن می‌شود که این تبادل آغازین به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی منجر می‌شود. برای مثال، در اشعار ملک‌الشعرا بهار تبادل بین‌افردی و هم‌نشینی فکری و اجتماعی دیده می‌شود که سرانجام، به پاداش افراد ملت می‌انجامد. بهار با تمایز بین منزلت و قدرت، با اشاره به ویژگی‌های مردم ایران، آنان را به «سازمان‌یافتگی» و پرهیز از عوام‌زدگی هدایت می‌کند. از نظر وی، بی‌توجهی به تعامل اجتماعی موجب کنار ماندن مردم و سلطانی لثیمان بر آنان خواهد بود:

از عوام آن بد که رود به اسلام	داد از دست عوام
کار اسلام ز غوغای عوام است تمام	داد از دست عوام
همگی خفته و آسوده ز نیکی و بدی	خواب مرگ ابدی
به طنین مگسی جمله نیابند قیام	داد از دست عوام
سنت و شرع کتاب نبوی مانده ز کار	عقل برخاسته زار
جهل بنشسته به سلطانی این خیل لثام	داد از دست عوام

(بهار، 1368: 259)

شاعران برای برانگیختن مردم با یادآوری گذشته درخشان، پهلوانان و پادشاهان اساطیری می‌کوشند تا به واسطه عضویت در حرکت به سوی پیشرفت، از منافع تمدن برخوردار شوند:

ای دل غافل بر احوال وطن خون‌گریه کن	خیز ای عاقل به این دشت و دمن خون‌گریه کن
ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس‌کی	آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
جای رطل جام می‌غولان نهادستند پی	جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن خون‌گریه کن

(حسینی گیلانی، 1371: 421)

فرخی یزدی نیز برای تشویق مردم اشارات دقیق‌تری به وجوه عظمت ایرانیان دارد:

عید جم شد، ای فریدون خوبت ایران پرست مستبدی خوی ضحاک‌ی ست این خو، نه ز دست
حالیا کز سلم و تور انگلیس و روس هست ایرج ایران سراپا دست‌گیر و پای‌بست
به که از راه تمدن ترک بی‌مهری کنی در ره مشروطه اقدام منوچهری کنی
(فرخی، 1380: 267)

با تشدید بیماری مظفرالدین‌شاه، زمینه برای حمله همه‌جانبه به حکومت قاجار فراهم شد. علاوه بر سرودن شعر، ترجمه آثاری که به تشریح ظلم و تبیین حقوق مردم می‌پرداخت، شکل تازه‌ای از مبارزه با قاجاریه را رقم زد. کتاب‌های *طبایع الاستبداد* از عبدالرحمن کواکبی ترجمه عبدالحسین میرزا، *حقوق و وظائف ملت و همدردی* از میرزا اسماعیل مهدوی اصفهانی، *شرف ایران و افتخار ایرانیان* از شیخ‌هاشم کاظمینی و *تاریخ شورش روسیه* از خلیل‌بیگ لبنانی ترجمه عبدالحسین رضوی کرمانی (ر.ک: ذاکر حسین، 1377: 33) اطلاعات مفیدی از چگونگی آگاهی‌بخشی مردم به دست می‌دهند. عبدالرحمن کواکبی در کتاب *طبایع الاستبداد* می‌نویسد:

حکمران مستبد در کارهای مردم همه‌جا به اراده خویش حکومت می‌کند، نه اراده ایشان و چون به تعدی خویش آگاه است و پاشنه‌های خویش بر ده‌ها میلیون نفوس گذارد که دهان‌هایشان بسته ماند و سخن گفتن از روی حق یا مطالبه حق نتواند (ادمیت، بی‌تا: 326).

در جمع‌بندی بخش نخست بر این نکته تأکید می‌کنیم که براساس نظریه بلاو، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر یکسان نیست؛ بنابراین همیشه در تعامل بین‌افردی برخی در مقام فرودست و بعضی دیگر در مقام فرادست قرار می‌گیرند. در عصر مشروطه، این تعامل فرادستی و فرودستی با آگاهی‌بخشی نشان داده شده است. روشن‌فکران آگاه در مقام فرادست و عوام در فرودست جای می‌گیرند. به نظر می‌رسد پاداشی که از آزادی حاصل از مشروطه به دست می‌آید، برای هر دو یکسان باشد؛ اما «در این نوع مبادله بعضی بیشتر منتفع می‌شوند و در مقابل، برخی هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شوند» (ریتزر، 1386: 435).

از آنجایی که شاعران عصر مشروطه مبادلهٔ اجتماعی برای رسیدن به پاداشی معین (مشروطه و آزادی) را از دورهٔ پادشاهی ناصرالدین‌شاه آغاز کردند، نظریهٔ بلاو را می‌توان از آغاز این جنبش تا پیروزی مشروطه (پاداش) براساس چهار گام نخست برشمرده نشان داد؛ اما همین نظریه از تحقق انقلاب مشروطه تا شکست (تنبیه) نیز در اشعار شاعران قابل بررسی است.

4. ساحت‌های نظریهٔ تبادل در شعر نسیم شمال

سیداشرف‌الدین روحانی خوش‌مشرب و بذله‌گویی است که زبان تند و نگاه نافذش را با نگارش هفته‌نامه‌ای در خدمت مردم قرار می‌دهد. وی اگرچه زادهٔ قزوین است، در گیلان پرورش یافته.

چندی از بهر تماشا آمدم	بنده در قزوین به دنیا آمدم
از شراب عاشقی مست و ملنگ	مدتی در رشت بنمودم درنگ
گر نویسم می‌شود سیصد ورق	رشتیان بر گردنم دارند حق

(حسینی گیلانی، 1371: 207)

این «مردم روشن‌دل و ساده‌طبع و آزادی‌خواه گیلان بوده که میدان به‌دست سیداشرف داد و وسایلی فراهم کرد تا روزنامه‌ای (هفته‌نامه‌ای) پدید آورد، مطابق ذوق مردم و روحیهٔ مردم» (همان، 45). نشریهٔ نسیم شمال از معدود نشریاتی است که در دوران مشروطه «بین سه تا چهار هزار نسخه فروش می‌رفت» (همان، 102) و مردم به‌سرعت اشعار آن را به حافظه می‌سپردند، در مجالس رسمی و غیررسمی بارها می‌خواندند و یکدیگر را تشویق می‌کردند تا به مسائل اجتماعی واکنش نشان دهند.

نسیم شمال ز شعر تو تمام تعریف می‌کنم
از زن و مرد مملکت زدوق توصیف می‌کنم
(همان، 172)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اشعار نسیم شمال نشان دادن ساده‌ پیوندهای اجتماعی یا هم‌گروهی توده‌ها با روشن‌فکران برمبنای تعاملات فردی برای کسب آزادی و مشروطه است. این پیوندها تعارضات تمایز در منزلت و قدرت و سرانجام مخالفت و دگرگونی (شکست جنبش مشروطه) را نیز آشکار می‌کند.

4-1. طبقه‌بندی شعر نسیم بر پایه نظریه بلاو

در این بخش، فراگرد چهارمرحله‌ای بلاو را در سه بخش خلاصه کرده‌ایم. همان‌گونه که در نظریه بلاو، تبادل بین‌فردی به ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی اجتماعی می‌انجامد، اشعار نمونه نشان‌دهنده ویژگی‌هایی است که از ساخت فردی به ساختار اجتماعی و پس از آن سرنگونی مشروطه (اجتماع سیاسی) منجر می‌شود.

4-1-1. اشعار تبادلی انتقادی

سیداشرف‌الدین مانند شاعران، نویسندگان و سایر روشن‌فکران صدر مشروطه برای بهبود وضعیت بغرنج کشور، به‌دنبال آگاهی‌بخشی به مردم برای کسب مظاهر تمدن بود:

ای جوانان روز روشن می‌شود از مدرسه شهر تهران باغ و گلشن می‌شود از مدرسه
(حسینی گیلانی، 1371: 729)

این شیوه همان است که بلاو آن را آگاهی و گرفتن تعهد از افراد برای حرکت به سمت ساختار اجتماع می‌نامد. در فراگرد نخست، نظریه وی «معاملات تبادلی شخصی میان مردم» تعریف شده است. اشعار این بخش بیشتر بر کنش متقابل و مستقیم تأکید می‌کند. رویکرد سیداشرف در اشعار انتقادی با «هدف برانگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی، طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم با حدود انسانی آن‌ها» (صفایی، 1349: 134) بوده است.

ای جوانان وطن نونهالان وطن، می‌رود جان وطن

موقع دادرسی است روز فریادرسی است

دشمن از چهار طرف گرد ایران زده صف، ای پسرهای خلف

موقع دادرسی است روز فریادرسی است

... ای جنود علما پیشوایید شما در چنین روز به ما

موقع دادرسی است روز فریادرسی است

وزرا ای وزرا تا به کی چون و چرا دشمن آمد به سرا

موقع دادرسی است روز فریادرسی است

... کمکی ای کسبه، فرقهٔ منتخبه ظلم کرده غلبه

موقع دادرسی است روز فریادرسی است

نسیم شمال برای ایجاد ارتباط «تبادل فرد با فرد» با افراد اجتماع پریشان، نوعی
تجاهل‌العارف را به آگاهی از تعدی شاه نسبت می‌دهد. از نظر وی، گویا شاه بی‌خبر از
اتفاق‌هایی است که در کشور رخ می‌دهد:

گوینا بی‌خبر از ملک، شه تاجور است	مملکت در خطر است
وین چه آشوب و چه فتنه است که در بحر و بر است	شه مگر بی‌خبر است
خائنان عصمت و ناموس وطن داده به باد	زین جماعت فریاد
غافل از کشور خود آن شه والاگهر است	شه مگر بی‌خبر است
از یمین وز یسار وز جنوب وز شمال	اغنیا وز رجال
بهر سرقت همه را دامن همت کمر است	شه مگر بی‌خبر است
مستشار آمده از خارجه سوی ایران	دید ایران ویران

(حسینی گیلانی، 1371: 683)

سیداشرف از آنجا که با اجتماع مردم سروکار دارد - همان‌گونه که بلا و نیز می‌گوید - به‌دنبال کنش متقابل و رودررو با تک‌تک افراد ایرانی نیست؛ بلکه می‌کوشد تا با انتقاد از فقدان یا آرزوی رسیدن به «هنجارها و ارزش‌ها»، انگیزه مردم برای گرد آمدن و حرکت اجتماعی را فراهم کند. در پاره‌ای دیگر از اشعار در پیوند با محتوا، ساختاری متجانس از موسیقی مرثیه در شعر انتخاب می‌شود تا علاوه بر مضمون حزن‌انگیز، ساحت کلی شعر برای تهییج مردم فراهم شود:

از غرقه در هزار غم و ابتلا وطن
ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن
ای یوسف عزیز دیار بلا وطن
قربانیان تو همه گلگون‌قبا وطن
بی‌کس وطن غریب بینوا وطن

(همان، 322)

2-1-4. اشعار تمجیدی سازمان‌بخش

در نظر شاعری مثل سیداشرف، مهم‌ترین مسئله آگاه کردن مردم است. در اشعار تمجیدی سازمان‌بخش، آنچه مورد توجه شاعر قرار می‌گیرد، آگاهی‌بخشی به مردم دربارهٔ هنجارهایی است که بیشتر جنبهٔ عمومی دارند. از نظر وی، آگاهی مردم موجب پاداش‌هایی است که پس از آن روی می‌دهد. در اشعار آغازین سیداشرف که در شماره‌های نخست نشریهٔ نسیم شمال چاپ شده است، نگاه ارزش‌مدارانهٔ وی را می‌توان دریافت. وی در ترجیع‌بند «عاقبت ایران» مجموعه‌ای از ارزش‌ها و پاداش‌ها را ترسیم می‌کند:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم
می‌نماید هر مسلمان شادمانی ای نسیم
آفتاب معرفت گردد درخشان ای نسیم
نوریاران می‌شود این شهر تهران ای نسیم...
از معارف دور می‌گردد ز سرها و سوسه
می‌شود ایجاد در هر گوشه‌ای یک مدرسه
کودکان مشغول تحصیل حساب و هندسه
نقشهٔ جغرافیا در دست طفلان ای نسیم

(حسینی گیلانی، 1371: 169)

سیداشرف نشان می‌دهد مردم با پذیرش ذهنی عضویت در جریان مشروطه، ضمن همراهی با آن، از منافع حاصل از تغییر رژیم برخوردار خواهند شد. مهم‌ترین پاداش‌هایی که در این شعر دیده می‌شوند، عبارت‌اند از:

1. بیرون کردن دشمنان از سرزمین ایران (دشمن اسلام از حسرت همی لب می‌گذرد)؛
 2. افزایش معارف و علوم بین مردم با ایجاد مدارس (می‌شود ایجاد هر گوشه‌ای یک مدرسه)؛
 3. از بین رفتن ظلم (ظالم فراری می‌شود)؛
 4. افزایش معنویت (مرد و زن لذت برند از علم و عرفان)؛
 5. از بین رفتن تفرقه و دشمنی‌ها (آب می‌نوشند در یک چشمه باهم گرگ و میش)؛
 6. جهالت مردم از بین می‌رود (می‌شود دیو جهالت کشته در گودال‌ها)؛
 7. ایران به رشد صنعتی می‌رسد (اندر هر علم و هر صنعت مهیا می‌شود)؛
 8. قحط‌سالی از بین می‌رود (پس دگر قحطی نمی‌بینند در این شهر و دیار)؛
 9. صلح در جهان کهنه مستولی می‌شود (می‌شود دنیای کهنه بعد از این دنیای صلح)؛
 10. دنیا به کام جوانان می‌شود (می‌شود دنیا به کام نوجوانان ای نسیم).
- در ماجرای حمله روسیه به ایران، اشعار تمجیدی سازمان‌بخش بیشتر دیده می‌شود. سیداشرف در «خواب مرگ» حمله دشمنان از چهار گوشه به خاک ایران را خواب مرگ می‌خواند: کنش متقابل:

دشمنان حمله‌ور از چار طرف بهر شکار بهر این لقمه شیرین همه مشغول به کار
نعره و هلهله بگذشت ز چرخ دوار باز این ملت خوابیده نگشته بیدار

(همان، 218)

در بیشتر اشعاری که از جوانان یا قشرهای دیگر تمجید می‌کند، بر جنبه‌های کنش متقابل برای سازمان‌دهی در جهت حفظ ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کند:

ای جوانان وطن الیوم یوم همت است ای هواخواهان دین امروز روز غیرت است
می‌رود ناموس آخر این چه خواب غفلت است دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما
ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما

(همان، 412)

3-1-4. اشعار خطابی تنذیری

گاهی لحن سیداشرف تغییر می‌کند و سازمان‌دهی و تشویق به انذار تبدیل می‌شود:

هان ای ایرانیان ایران اندر بلاست مملکت داریوش دست‌خوش نیکلاست

مرکز ملک کیان در دهن ازدهاست غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست

(همان، 148)

سیداشرف نیز مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان دوره قاجار، تشویق مردم به حرکت را به هر دو شیوه «آینده‌درخشان» و «گذشته‌پرافتخار» ترسیم می‌کند؛ تا آنجا که مهم‌ترین ویژگی بازخوانی ایران باستان در نوشته‌ها و اشعار مشروطه، توجه به تمامیت ارضی کشور بوده است. نیکویخت و زارع معتقدند: «ویکرد شاعران به ایران باستان در این وجوه جلوه‌گر است: احیای هویت ملی، خوشبینی افراطی به ایران باستان، احساس حقارت در برابر بیگانگان، اسلام‌ستیزی، انتقاد از اوضاع و احوال عصر، تحریک غرور ملی و شکست‌ناپذیری» (1386: 139).

2-4. بازتاب مشروعیت و سازمان‌یافتگی در شعر نسیم شمال

با وجود اختلاف‌های فاحش آزادی‌خواهان بر سر مفهوم مشروطه، وجود دشمنی مشترک به‌نام نظام استبدادی و محمدعلی‌شاه قاجار، تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ دولت‌های روس و انگلیس و... انگیزه‌ای می‌شود تا مشروطه‌خواهان از تمام ابزارها برای پیروزی بر آن‌ها بهره‌گیرند. مطابق اصل پنجم مبادله بلا، «هرچه روابط مبادله‌ای بیشتر برقرار شوند، تمایل بیشتری برای اداره مناسب، توسط هنجارهای مبادله وجود دارد». سیداشرف در ترجیع‌بند «ادیات»، با حمله به کسانی که زمینه را برای انحلال مجلس اول فراهم می‌کنند، مجلس را رکن اساسی ملت برای حذف ظلم برمی‌شمارد:

میوه باغ معدلت در بر ظالمان مجو ظالم اگر کشد ترا ناله مکن امان مجو

بهر خلاص خود جز ره پارلمان مجو

(حسینی گیلانی، 1371: 181)

سیداشرف در ادامه شعر «ادبیات» پس از بیان ویژگی‌های مشروطه، مخالفت خود را با حکومت استبدادی محمدعلی‌شاه پس از به توپ بستن و انحلال مجلس اول بیان می‌کند؛ زیرا هنجارهای مشروع مورد نظر انقلابیون کمتر تحقق یافته است؛ بنابراین مطابق اصل ششم نظریه تبادل، «هرچه هنجارهای مشروع در یک مبادله، کمتر تحقق یافته باشند، طرفین محروم، برای فتوادهی منفی علیه آن‌هایی که هنجارها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند». از نظر سیداشرف، همه جهان کفر کر است و ندای آزادی مردم ایران را نمی‌شنود، حتی شاه هم مانند گرگی است که فقط چشم طمع به آن دارد؛ پس باید ملت علم مخالفت و دگرگونی به دست گیرد (اصل سوم نظریه):

های گیله مردان ویریزید بلبلی بینشته دارسر های سرخ‌ریشان بخوسید جغلان بشید کارسر
های سیم شهید، کیور شهید لشته نشا بازار سر شاه ز مشروطه رضا می‌شود و نمی‌شود
گرگ به گله آشنا می‌شود و نمی‌شود

(همان، 182)

1-2-4. مخالفت و دگرگونی

نسیم شمال برای رساندن مردم به یک پیوند اجتماعی عظیم به منظور کسب پاداش‌های متقابلی که از مشروطه به دست می‌آید، به روشن‌گری می‌پردازد و وعده و انذار می‌دهد. به نظر می‌رسد بخش چشمگیر دیوان وی شامل رویکرد تشویق و انذار باشد؛ اما شرایط سیاسی و تحولات پس از استقرار اولیه باوجود مجاهدت‌های فراوان، به گونه‌ای رقم می‌خورد که او احساس می‌کند مردم «در کنش متقابل با یکدیگر هیچ‌گونه پاداش یا منافع متقابلی را ردوبدل نمی‌کنند» (ریتزر، 1386: 456). سیداشرف در این باره تردید خود را با پرسش‌گری طرح می‌کند:

میشه دولت به ملت بازگردد نگو هرگز همیشه های‌های
به اهل مملکت غمخوار گردد نگو هرگز همیشه های‌های
شبیبه نادر افشار گردد نگو هرگز همیشه های‌های
نگو هرگز همیشه های‌های سیا قرمز همیشه های‌های

(حسینی گیلانی، 1371: 34)

براساس نظریه تبادل تلفیقی بلاو، در صورت بروز چنین روندی، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا «رشته پیوند در میان آن‌ها سست» و منجر به دگرگونی شود و سرانجام، عامل برتری غیر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، قدرت خویش را مشروعیت بخشد و بی‌آنکه به ارزش‌ها و منافع غالب مردم توجه کند، از طریق انحراف پاداش یا منافع، مشروعیت خویش را به‌دست آورد. سیداشرف در ترجیع‌بند «تقسیم طبقات» به عدم دستیابی منافع متقابل و گسست بین مردم اشاره می‌کند که سرانجام، به ظهور یک قدرت برتر و کنار زدن مردم و تلاش برای مشروعیت‌بخشی به خود می‌انجامد.

یک سلسله خائن بری از علم و دیانت گفتند که ما میم نگهدار امانت
بر حفظ وطن ما بنماییم ضمانت کردند به این خاک بلادیده خیانت
گشتند ز افراط طمع همدم اغیار

(حسینی گیلانی، 1371: 368)

گذشته از اختلاف‌های بنیادین در مناسبات حکومتی در جریان نهضت مشروطه، پاره‌ای از خودسری‌های برخی مجاهدان زمینه را برای دگرگونی نهضت فراهم کرد. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین نمودهای آن جریانی انحرافی است که در راه فتح تهران از سوی برخی مجاهدان در دور دوم استبداد صغیر صورت گرفت. مجاهدان به فرمان‌دهی میرزا علی‌خان سالار فاتح کجوری، عبدالحسین خان معز السلطان و چند تن دیگر از فرمان‌دهان از گیلان برای فتح تهران حرکت کردند. آن‌ها در طول مسیر، درگیری‌های متعددی با نیروهای دولتی داشتند. در چهارمین درگیری خود با قوای محمدعلی‌شاه در قزوین توانستند این شهر را فتح کنند. با فتح پایتخت صفویان، اتفاق‌های پشت‌پرده‌ای صورت گرفت که موجب نگرانی برخی فرمان‌دهان مجاهد شد. یکی از این اتفاق‌ها، ملاقات مسیو پیرم در قزوین با ویس قونسول روس بود:

که هدف آن ملاقات به کسی معلوم نشد، اما این نتیجه را داد که چند تن از سران مجاهدین را عصبانی کرد و همین ملاقات به ضمیمه چند فقره کارهای ناهنجار که از مجاهدین سر زد، باعث شد که والیکو و پانف بلغاری و میرزا کوچک و چند نفر دیگر قزوین را ترک کنند و به حالت قهر به رشت بازگردند (فخرایی، 151: 2536).

سیداشرف در شعر «نصیحت به مجاهدین سرسخت»، آن‌ها را از مخالفت‌هایی که به دگرگونی می‌انجامد، برحذر می‌دارد:

هله ای گروه مجاهدین	بشویید یکره و یک‌دله
بدهید جان به راه وطن	به نشاط و شادی و هلله
... هله مستبد به کنار شد	طبقات مظلومه خوار شد
به وطن دوباره بهار شد	بگریخت دی ز مقابله
... بشویید همره و متحد	بکنید کوشش و جهد و جد
... کند این نفاق و دودستگی	همه را دچار به خستگی
به وطن هزار شکستگی	رسد از خصومت داخله
ز گروه فتنه‌گر الحذر، الحذر	ز نفوس حيله‌ور الحذر
... چو بسا ز زمره قاعدین	شده در لباس مجاهدین
مخورید گول معاندین	ز مکالمات و مقاوله
همه حاضریم به بذل جان	به نفوذ و قدرت مکالمه

(همان، 286)

برخلاف تلاش مشروطه‌خواهان، روز سوم اسفند 1299 سردار سپه که فرمان‌دهی قزاقان تهران را برعهده داشت، کودتا کرد و دو روز بعد، سیدضیاء‌الدین طباطبایی را به‌نخست‌وزیری کودتا برگزید. طباطبایی با تشکیل کابینه خود و انتخاب افرادی که ژست انقلابی و جمهوریت داشتند، از احساسات مردم در روزهای پایانی مشروطه بهره گرفت و کابینه سیاه را تشکیل داد. نخستین اقدام این کابینه، دست‌گیری رجال قوم و سران کشور بود. نسیم شمال در اشعاری که به این مناسبت می‌سراید، نشان می‌دهد که چگونه زحمات مجاهدان هدر رفته است:

ما گمان کردیم راحت می‌شویم	از خیالات استراحت می‌شویم
داخل اندر باغ جنت می‌شویم	واقف از قاف قناعت می‌شویم
خلق بیدارند و در خوابیم ما	بهر ملت از مخارج کاستیم
با هیاهو پارلمان آراستیم	چون وطن خواهان ز جا برخاستیم

رخت خوابی بهر خود پیراستیم

خلق بیدارند و در خوابیم ما

(همان، 789)

سیداشرف، دگرگونی به‌وجودآمده پس از استبداد و مشروطه را نیز معجونی عجیب می‌داند که در پیوند با اجتماع نیست. این معجون جمهوری است؛ اما بعد از دیدن «لوائی جمهور» همه عزا گرفتند:

آخرای هم‌وطنان صحبت جمهور چه بود	در کف بی‌خبران مشعل بی‌نور چه بود
اندرین مجلس غوغای کر و کور چه بود	یا از این گفته جمهوری منظور چه بود...
هیچ معلوم نشد صحبت مشروطه چه بود	لنگ اگر بود به حمام دگر غوطه چه بود
... فقرا چون که شنیدند صدای جمهور	همگی سینه گشادند برای جمهور
تا که آراسته دیدند لوائی جمهور	شب تاریک گرفتند عزای جمهور

(همان، 712)

5. نتیجه

بازخوانی اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی براساس نظریه تبادلی پیتربلاو نشان می‌دهد که سیر پدید آمدن نهضت مشروطه از فراگرد تبادلی در روابط بین‌فردی آغاز می‌شود و تا ایجاد مشروعیت و سازمان‌یافتگی به پیروزی مشروطه منجر می‌انجامد. ملت به‌عنوان افراد ذی‌نفع در تعاملات بین‌فردی، گرچه از همکاری خود سود می‌برند و تلاش آن‌ها برای انقلاب مشروطه به نتیجه می‌رسد، نفع برابر به‌دست نمی‌آورند. این سیر از معامله برای ایجاد یک سازمان (نهضت) تا دگرگونی، شامل حوادثی است که سیداشرف به‌عنوان ناظری تیزبین وجوه هستی‌شناسی آن را از آغاز و با زبان طنز برای عامه شرح می‌دهد. شیوه اقتناعی نسیم شمال در اشعار طنز و سایر اشعار دیوانش که اغلب در هفته‌نامه نسیم شمال بازتاب یافته، سند ارزشمندی برای نشان دادن قابلیت‌های جامعه‌شناسی ادبیات است. نسیم شمال کنش‌های فردی منجر به پاداش تا بسط گروه‌های اجتماعی از طریق بسیج توده‌ها را در رفتار اجتماعی آنان نشان داده است.

پی‌نوشت‌ها

1. P. Blau
2. behaviorism
3. G. Humans
4. B.F. Skinner
5. R.E. Pales
6. exchange and power in life social

7. اصول هفت‌گانه مبادله بلاو عبارت‌اند از:

اصل اول: هرچه یک شخص در انجام فعالیت ویژه‌ای، نفع بیشتری از دیگری انتظار داشته باشد، احتمال اینکه آن شخص آن فعالیت را بروز دهد، بیشتر است.

اصل دوم: هرچه یک شخص پاداش‌های بیشتری را با دیگری مبادله کند، احتمال اینکه وظایف دوطرفه‌ای بین آن‌ها به‌وجود آید و مبادلات متعاقب را هدایت کند، بیشتر است.

اصل سوم: هرچه وظایف دادوستد یک رابطه مبادله بیشتر نقض شود، طرفین محروم برای فتوادهی منفی علیه آن‌هایی که هنجار دادوستد را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند.

اصل چهارم: هرچه پاداش‌های انتظاررفته بیشتری از نشر یک فعالیت ویژه بیرون آید، فعالیت کمتر، بارزتر می‌شود.

اصل پنجم: هرچه روابط مبادله‌ای بیشتر برقرار شود، تمایل بیشتری برای اداره مناسب توسط هنجارهای مبادله وجود دارد.

اصل ششم: هرچه هنجارهای مشروع در یک مبادله کمتر تحقق یافته باشد، طرفین محروم برای فتوادهی منفی علیه آن‌هایی که هنجارها را نقض کرده‌اند، مستعدتر می‌شوند.

اصل هفتم: هرچه روابط مبادله‌ای بین واحدهای اجتماعی باثبات و متعادل‌تر باشد، احتمال اینکه سایر روابط مبادله‌ای نامتعادل و بی‌ثبات‌تر شود، افزایش می‌یابد (اچ ترنر، 1372: 355).

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (1387). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (بی‌تا). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، مجلس اول و بحران آزادی*. تهران: روشنگران.

- آزاد ارمکی، تقی (1381). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- اچ ترنر، جانانان (1372). *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهستانی زاده. شیراز: نوید شیراز.
- بوشهری، جعفر (1365). *حقوق اساسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، محمدتقی (1368). *دیوان اشعار*. 2 ج. تهران: توس.
- ترابی، علی‌اکبر (1341). «جامعه‌شناسی و حیات اجتماعی». *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*. ش 61. صص 192-230.
- حسینی گیلانی، سیداشرف‌الدین (1371). *جاودانه نسیم شمال*. به‌کوشش حسین نمینی. تهران: علمی.
- خرابی، فاروق (1380). *سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (1377). *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*. تهران: علم.
- راوندی، مرتضی (1374). *تاریخ اجتماعی ایران*. 8 ج. تهران: نگاه.
- رضایی شریف‌آبادی، محمد (1389). «آسیب‌شناسی نهضت مشروطه». *فصلنامه گنجینه اسناد*. ش 78. صص 5-11.
- ریتزر، جورج (1386). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- صفایی، ابراهیم (1349). *نسیم شمال مجموعه سخنرانی‌های شعر در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم (1358). *کلیات دیوان*. به‌اهتمام عبدالرحمن سیف‌آزاد. تهران: علمی.
- علیخانی، علی‌اکبر (1383). *هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فرخی یزدی (1357). *دیوان فرخی یزدی*. تصحیح و مقدمه حسین مکی. تهران: امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی (1384). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی*. ترجمه محمد رضایی. تهران: سعادت.
- لاهوتی، ابوالقاسم (1357). *کلیات دیوان*. به‌کوشش بهروز مشیری. تهران: توکا.
- نیکوبخت، ناصر و غلامعلی زارع (1386). «انگیزه‌های توجه به ایران باستان در شعر مشروطه». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. ش 15. صص 139-153.